

« شفاف سازي پيرامون حوادث آذربايجان درخرداد ماه 1385»

دراین نوشتار ابتدا حوادث تاریخ ساز و تاثیر گذار اخیر در آذربایجان در سه بخش تحت عناوین:

– مشخصه های حرکت ملی آذربایجان

– عوامل حرکت ملی آذربایجان

– مطالبات حرکت ملی آذربایجان

مورد بررسی قرار گرفته است.

مقدمه:

اکنون مدت کوتاهی از واقعه ی اوّل خرداد سال 1385 می گذرد.

تعداد زیادی از فعالان جنبش ملی آذربایجان که دوشادوش هم دردها مراسم و برنامه مشترک شرکت کرده بودیم؛ در خیابانها به جرم گرامیداشت بزرگان سرزمین مان همچون زینب پاشا، مرضیه اسکویی ، پروین اعتصامی ، باقرخان ، ستارخان ، صمد بهرنگی و دیگران مورد هجوم پلیس قرار گرفته و زندانی شده اند، که بر فراز قلعه پرافتخار بابک نامیرا ، حماسی ترین سرود ها را فریاد کرده بودیم. اکنون اکثریت آنان در زندان های مخوف رژیم فاشیست اسلامی به جرم عشق به آزادی ، عدالت و تحقق مردم سالاری و هویت خواهی به اسارت گرفته شده اند.

نیروهای امنیتی با خشونت و قساوت بی حدّ و مرز، بدون داشتن احکام قضایی به خانه آنها هجوم آورده و به جرم براندازی و تجزیه طلبی اکثرشان را به حبس برده اند. ما از وضعیت زندانیان و نحوه ی رفتار نیروهای امنیتی با آنان کاملاً بی اطلاع بوده و به شدّت نگران امنیت جانی تک تک زندانیان دستگیر شده در مناطق ترک نشین هستیم. خانواده های دستگیرشدگان از نظر روانی در وضعیت بسیار اسفناکی بسر می برند و گویی تمامی آذربایجان به قلب تپنده ی مبارزه طلبی و عدالت جویی و آزادیخواهی تبدیل شده است. امروز مردم آذربایجان در سرتا سر ایران آمده اند تا ابتدایی ترین حقوق خود را مطالبه کنند.

اکنون مردم آذربایجان آمده اند تا با سرمایه عظیم و عمیق گنجینه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی خود نقشهای بدیع بیافرینند و چونان همیشه تاریخ، شگفت انگیزی و اثر بخشی نمایند. از محدوده ی نظریه و تئوریا پا فراتر نهاده و با مقوله ی عمل در حیات جمعی نقش آفرینی کنند. در این برهه از تاریخ، ملت آذربایجان با حرکت های تازه ای که شکل گرفته، در حال بیدار شدن از خوابهای گذشته است، و میخواهد آثار زخم ها پی را که در دوران پادشاهان خودکامه پهلوی براو وارد آمده و در زمان استقرار ارتجاع جمهوری اسلامی نیز تشدید گردیده، از روح و روان خود پاک کند.

در اینجا روزانه هزاران نفر، زن و مرد از جان گذشته، به خیابانها می آیند و بی هراس از هجوم و حمله و کشتار و قتل عام پاسخ همه استحاله ها و مهجور بودن از هویت تاریخی، فرهنگی و زبانی خود را فریاد می زنند، و زخمی و کشته می شوند. بیمارستانها آمار دقیقی از آنان به هیچ کس ارائه نمی دهند. از سوی دیگر خود مجروح شدگان نیز برای اینکه شناسایی نشوند از رفتن به بیمارستانها امتناع می ورزند. اکنون هفته هاست که تلاش مردم سرزمین مادری ما، با شکوه و مقاومت تمام ، توقف ناپذیر ادامه دارد، و بسیار زخمی و دردمند در زیر چکمه های نظامیان نفس می کشند.

امید است، این نوشتار توانسته باشد، در پشت این فضای سیاسی غبارآلود، فضای حقیقی و درد آور حیات اجتماعی و حماسی مردم آذربایجان را به تصویر بکشد.

حرکت مدنی مردم آذربایجان از نگاه رسانه های دولتی

روزنامه ایران شماره 3469 روز جمعه مورخ 85/2/22 در ضمیمه صفحه کودک خود به چاپ مطلبی در قالب عباراتی نسنجیده و بی مغز اقدام نمود و در آن به فرهنگ، زبان و شخصیت مردم ترک زبان توهین و اهانت نمود. این عمل باعث اعتراضات گسترده در دانشگاهها ، محافل فرهنگی و مجامع عمومی گردید، اعتراض هایی که طی روزهای گذشته دامنه آن به شهرها و مناطق مهم از جمله تبریز، ارومیه ، اردبیل ، زنجان ونقده و ... کشیده شد و بیش از 30 نماینده مجلس خواستار استیضاح وزیر ارشاد شدند و حتی یکی از .. نمایندگان خواستار عذرخواهی رئیس جمهور از مردم آذربایجان شد

گفتنی است شرکت کنندگان در این اعتراض مدنی خواستار مجازات مسئولان روزنامه ایران گردیدند . اما این اعتراضات کاملاً مدنی توسط گروهی اغتشاشگر که با هویتی ناشناخته وارد جریانات شدند و با اعمال هرج و مرج طلبانه شیشه های بانکها و مؤسسات دولتی را شکستند و اتوبوس ها را به آتش کشیدند و به اموال دولتی خسارات زیادی وارد آوردند تا حدود زیادی از مسیر اصلی مطالبات مردمی منحرف گشت.

همزمان با گسترده شدن دامنه اعتراضات در داخل کشور در خارج نیز اعتراضات وسیعی علیه این اقدام توهین آمیز نسبت به ملت ترك انجام گرفت که از جمله می توان به خبری اشاره داشت که در هفته نامه "میثاق" یکی از نشریات وابسته به جناح راست در شماره 212 تاریخ 85/3/8 چنین آورده شده است: طی روزهای اخیر اقدامات مشخصی در حمایت از این طیف به عمل آمده است. برخی نمایندگان مجلس باکو آشکارا از آشوب گران حمایت کردند در تاریخ 85/3/2 تعدادی از اعضاء احزاب ضد ایرانی در باکو مقابل سفارت ایران ، سایتهای متعدد و جدیدی برای پوشش تبلیغاتی ایجاد شد که نشان می دهد اقدامهای آشوبگرانه در داخل و اقدامات در خارج به صورت مجموعه ای هماهنگ عمل می کنند.

به گزارش ایسنا هیئت نظارت بر مطبوعات این روزنامه را به دلیل انتشار مطالب تفرقه افکنانه و تحریک آمیز و با استناد به تبصره ی ماده دوازده قانون مطبوعات و بر اساس بند 5 ماده 6 همان قانون توقیف و به دادگاه ارجاع کرد . همچنین "مانا نیستانی" طراح کاریکاتور و قاسم فر سر دبیر روزنامه " ایران جمعه" بازداشت شدند و تحریریه روزنامه ایران این عمل سخیف را خطایی از سر غفلت و اشتباه و شاید بی مبالاتی عنوان کرد.

تحریریه روزنامه ایران دو بار در تاریخ های 26 و 28 اردیبهشت در صفحه اول روزنامه ایران عذرخواهی هایی را چاپ کردند. همچنین مسئولان این روزنامه در اولین شماره بعدی روزنامه "ایران جمعه" یعنی 29 اردیبهشت در مطلبی تحت عنوان "ما را خیال رنجش یاران نبود." بار دیگر سعی کردند. عمداً نبودن اشتباه خود را تکرار کنند.

نشریه سیاسی- اجتماعی " میثاق " شماره 212 تاریخ 85/3/8 که دیدگاههای جناح محافظه کار را بازتاب می دهد،اعتراض گسترده مردم آذربایجان را وابسته به "جریان بیگانه گرا" عنوان کرد که در نقاب دفاع از زبان، فرهنگ و حقوق آذربای علییه وحدت ملی و امنیت ملی و در راستای منافع بیگانه گان عمل می کند. به اعتقاد آنها جریان تجزیه قومی از يك سو با پنهان شدن در نقاب آذربایجان تلاش میکرد خود را بر آمده از جامعه آذری نشان دهد و از سوی دیگر با پرهیز از مخالفت سریع با نظام می کوشید. ماهیت ضد ایرانی و ضد انقلابی خود را از چشم سیاستمداران ساده نگر- درون حاکمیت - پنهان نگه دارد. این در حالی است که "روح الله رشیدی" در نشریه "آذر پیام" وابسته به همان جناح شماره 164 تاریخ 85/3/8 از اینکه افشار متدین و انقلابی نتوانسته اند. رهبری اعتراضات را به عهده بگیرند و یا نمایندگان مردم تبریز و مسئولین از حضور در راهپیمایی اعتراض مردم اجتناب ورزیده اند و در نتیجه در فقدان این گزاره ها افرادی سوار بر امواج احساسات پاك مردم شده اند ابراز تاسف کرده است.

آقای "آقازاده" رییس کل دادگستری آذربایجان ضمن آنکه ادعا کرده است. «هیچ فرد متشخص و یا دانشجویی در بین دستگیر شدگان نیست و همه دستگیر شدگان ارادل و اوپاش سابقه دار هستند در مصاحبه ای که با روزنامه محلی "عصرآزادی" شماره 1241 تاریخ 85/3/11 انجام داده است در مورد حوادث اخیر آذربایجان بدون توجه به گستره ی عمیق و وسیعش چنین گفته است: "عوامل اصلی آشوب چند روز گذشته در تبریز و مرند 71 تن از یان ترکیستها- منافقین ، ضد انقلاب و حزب مشارکت و ارادل و اوپاش پرونده دار بودند که 51 تن از آنها بازداشت و حکم 20 نفر دیگر که فراری هستند، صادر شده و تحت تعقیب هستند.»

وی می افزاید: "آشوب گران در روز واقعه به بیست دستگاه اتومبیل شخصی خسارت وارد و پانزده مغازه متعلق به مردم را تخریب کردند، همچنین دوربین و وسایل شخصی مردم عادی را معدوم و چند صندوق حمایت از مستمندان موسسه خیریه را تخریب یا معدوم کردند. شیشه سی و پنج بانک شکسته و دو بانک را آتش زدند و به دو دستگاه ماشین شهرداری نیز خسارت وارد شد. اینها همان ارادل، اوپاش، مغرضین، آشوبگران و فرصت طلبانی هستند. که اعتقادی به مردم و اموال آنان ندارند و جیره خوار دشمنان و ضد انقلاب هستند واز خارج هدایت می شوند. "

شعارهایی مردم آذربایجان در آن روزهای پرتنهاب

شعارهایی که در آن روزهای پرتنهاب توسط مردم آذربایجان داده می شد و تا حدودی بیانگر خواسته های آنان می باشد، عبارتند از:

آذربایجان وار اولسون - ترك دیلی رسمی اولسون.

(پاینده باد آذربایجان- زبان تورکی رسمی شود.)

یاشاسین آذربایجان.

(زنده باد آذربایجان).
اؤلوم اولسون فاشیسته.
(مرگ بر فاشیست).
هآرای – هآرای من تورکم.
(فریاد – فریاد من تورک هستم).
آنادیلیم وار اولسون – دشمن لریم خوار اولسون.
(زبان مادری ام زنده بماناد- دشمنانم خوار شوند).
آذربایجان اویاخدی – فارسلا بیزه قوناخدی
(آذربایجان بیدار است. – فارسی زبانها مهمان ما هستند).
اؤلوم اولسون شووینیسته.
(مرگ بر شووینیست).
بیز اؤلمه یه حاضیریک – بابکین ائولادییک.
(ما برای مردن آماده ایم – ما از نبیره بابک هستیم).

مشخصه های جنبش ملی آذربایجان

– از آنجایی که خاستگاه این اعتراض عمومی دانشگاهها و نهادهای فرهنگی است. بنابراین می توان آن را اعتراض مدنی به شمار آورد.

– بر حق بودن اعتراضات، که از سوی گروههای سیاسی اجتماعی فعال در داخل و خارج از کشور بوجود آمده است.

– حرکت اعتراضی مردم آذربایجان یک حرکت خود جوش اصیل مردمی است.

– احیای فرهنگ اصیل خودی به عنوان اصلی ترین خواسته اعتراض کنندگان مورد درخواست قرار گرفته است.

– حرکت اعتراض آمیز اخیر حرکتی عمل گرا محسوب می شود و چنان بنظر می رسد که فاقد برنامه ریزی تشکیلاتی و سیستماتیک می باشد.

– جنبش مدنی حاضر از سوی کشورهای ترکیه و آذربایجان شمالی مورد حمایت قرار گرفته است.

– پایه های اقتصادی در حرکتی اعتراضی با توجه به اینکه اهمیت و تاثیرات پایه های اقتصادی در بطن زندگی مردم غیر قابل انکار بوده و رابطه مستقیم با نوع تفکر و اندیشه یک جامعه دارد، در حرکت مردم آذربایجان نیز بحران اقتصادی در این منطقه که پس از دوره ریاست جمهوری آقای رفسنجانی از رتبه دوم اقتصادی کشور به رتبه شانزدهم سقوط کرده است. باعث شد. مردم معترض نسبت به افرادی که با هویت مجهول در این اعتراضات به ساختمان بانکها که از مراکز مهم اقتصادی دولت بشمار میروند، حمله کردند. واکنش جدی از خود نشان ندهند و این امر موجب تخریب بیش از پیش ساختمانهای مراکز اقتصادی دولت شد.

آسیبهای که جنبش ملی آذربایجان را مورد تهدید قرار میدهد

– گروهی که به طرزی هیستریک و بیمارگونه برآند تا اعتراضات مدنی مردم آذربایجان را با عناوین مختلف از قبیل تجزیه طلبی، اقدام علیه امنیت ملی و غیره مورد بهره برداری قرار دهند که هیچ وقت و در هیچ کدام از حرکتی مدنی با تمامی دخالت ها و آشوب گری هایشان چهره مشخصی از خود نشان نداده و به صورت مبهم ولی در تمامی امور دخالت می کنند.

– گروه های ضد اجتماعی و هرج و مرج طلبان و خرابکارانی که با رفتارهای آناشیستی و با حضور در اعتراضات، اموال دولتی همچون بانکها، ساختمانهای بیمه، اتوبوس ها و غیره را مورد تعرض و تجاوز قرار می دهند.

عوامل جنبش ملی آذربایجان

— ساختار غیردموکراتیک حاکمیت اسلامی از جمله مهمترین عوامل مؤثر در ایجاد وضعیت نا آرام و پر تنش فعلی است. حکومت اسلامی در ایران از نوع حکومت های تک ساختی با بافت سا نترالیستی است که هرگز به معنای واقعی کلمه نتوانسته، پاسخگوی نیازهای ملی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه باشد. طبیعی است اگر اداره کنندگان يك جامعه به خواسته های مردم آن سرزمین جواب ندهند با يك حرکت گریز از مرکز روبرو میشوند.

— از دیگر عوامل ایجاد فضای متشنج اجتماعی - سیاسی حاضر در مناطق ترك نشین عدم اجرای قوانینی است که تحت عنوان اصل 15، 19، جهت تحقق بخشیدن به عدالت میان قومیت ها و نیز آموزش زبان مادری در قانون اساسی کشور تدوین شده است و نیز بی توجهی حاکمان کشور نسبت به اجرای بیانیه های سازمان ملل که ذیلاً به قسمت هایی از آنها اشاره میشود؛ در بیانیه حقوق افراد متعلق به اقلیت های ملی - نژادی - مذهبی و زبانی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قعطنامه شماره 135 / 47 مورخ 18 دسامبر 1992 می خوانیم.:

— با ملاحظه این که تأمین حقوق افراد متعلق به ملت ها و اقوام و ادیان و زبان های اقلیت ها منجر به ثبات سیاسی و اجتماعی کشورهایی که در آن به سر میبرند، می شود.

- با توضیح این حقیقت که تأمین و حفظ مستمر حقوق افراد اقلیتهای ملی - نژادی - مذهبی و زبانی یکی از شرایط لازم پیشرفت اجتماعی و به طور عام و در چارچوب يك دموکراسی مبتنی بر قانون باعث تقویت مودت و همکاری ساکنین آن کشورها می باشد.

این بیانیه را در مورد حقوق افراد اقلیتهای دینی، ملی یا نژادی و زبانی اعلام می دارد:

ماده يك :

— ملل عضو، موجودیت و هویت اقلیتهای ملی - قومی- فرهنگی - مذهبی و زبانی را در محدوده مرزهای این اقلیتها حفظ و شرایط حمایت از آنان را فراهم خواهند نمود.

ماده چهار :

بند یک : ملل متبوع، اقدامات لازم را برای خلق شرایط مناسب در مورد افراد متعلق به اقلیتها در جهت ابراز ویژگیهای آنان و ترویج فرهنگ، زبان، مذهب، سنن و لباسهای آنان را اعمال خواهند داشت.

بند دو: ملل متبوع در صورت امکان باید اقدامات لازم را در این که افراد متعلق به اقلیتها فرصتهای مناسبی برای یاد گیری زبان مادری و یا دریافت قوانین و مقررات به زبان مادری خود داشته باشند، ایجاد نماید.

بند سه : ملل متبوع در صورت امکان تمهیدات لازم را در زمینه تحصیل به زبان مادری و تشویق در کسب معلومات تاریخی، سنتها، زبان و فرهنگی که در درون مرزهای آن اقلیتها وجود دارد، اعمال خواهند نمود.

بنابراین ضروری است حاکمیت سپاه اسلامی در ایران که متعهد به اجرای اعلامیه های جهانی حقوق بشر گردیده است. بافت پلورال فرهنگی ایران را با توجه به کثیرالملله بودن به رسمیت بشناسد و در آمدهای ملی را به طور عادلانه جهت حمایت از زبان، فرهنگ و مذهبهای اقوام مختلف قرار دهد.

— عامل دیگر مشکل پسرقت اقتصادی در منطقه است. علیرغم موقعیت ممتاز و بی نظیر آذربایجان از نظر وجود عوامل طبیعی نسبتاً مساعد جغرافیای از قبیل اقلیم، منابع آبی، پوشش گیاهی و نیز منابع غنی، مس، طلا، آهن، جیوه، ذغال سنگ، گچ، سنگهای تزئینی، گرانیت مرمر و سایر منابع معدنی در سطح منطقه و نیز داشتن پتانسیل های ویژه از نظر نیروی انسانی متخصص و ماهر به دلیل اعمال رویکردهای سیاسی و انحصار طلبانه وشوونیستی، آذربایجان، شاهد پسرقتی تدریجی در شاخصها و رتبه بندیها می باشد.

«در منطقه آذربایجان شش استان اردبیل، زنجان، قزوین و همدان را داریم که با چهار کشور عراق، ترکیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان هم مرز هستند. کل صادرات این شش استان کمتر از استان کرمان است که با هیچ کشوری هم مرز نیست، این مسئله چگونه قابل توجیه است؟! هیچگونه توجیه اقتصادی و منطقی برای این قضیه وجود ندارد»¹.

« مناطق توسعه یافته کشور را بر روی نقشه علامت گذاری کنید، خواهید دید. مناطق توسعه یافته علی رغم اینکه مرکز ایران پتانسیل و ظرفیتهای اقتصادی را نداشته، در مرکز ایران قرار دارند.

حال با وجود اینکه عمده نفت و ثروت این کشور در خوزستان تولید می شود، می بینید که بیکاری و اعتیاد و فحشاء در این منطقه بیداد می کند. آذربایجان، کردستان و دیگر مناطق مرزی چنین وضعیتی دارند و در واقع می توان نتیجه گیری کرد که کل حاشیه و امکانات موجود در حاشیه در خدمت متن و مرکز قرار گرفته است. همان طور که ما دوگانگی شمال و جنوب را در شهرها داریم، دوگانگی شمال و جنوب کشور را نیز داریم.

متأسفانه دوگانگی شمال و جنوب در اقتصاد کشور، وابسته تئوری اقتصادی «مرکز پیرامون» شده است ما در علم اقتصاد يك تئوری داریم تحت عنوان مرکز پیرامون به این معنا که هر چه در مناطق مختلف است به مرکز سرازیر می گردد. "2.

— "مورد هجوم قرار دادن آثار تاریخی و باستانی و میراث فرهنگی از دیگر هجمه های تاریخی، خصوصاً در دهه های گذشته است. چه کسی است که ویران شدن قسمتهای مجموعه "صاحب الامر" را در جریان احداث خیابان دارائی بیاد نداشته باشد. چگونه می توان از بین رفتن بنای "شمس العماره" مشهور به "عالی قاپو" را از یاد برد از تخریب "کتاب خانه ملی"، سالن منحصر به فرد "شیر و خورشید" و "ارک علیشاه تبریز" کمتر از بیست سال می گذرد. "مسجد کبود" و "ارک علیشاه" هنوز هم زیر تهاجم چرخهای لودرها و بولدورها و از همه مهمتر فرمانهای تخریب قرار دارند. آیا می توان نابودی مجموعه "گورستان سرخاب" و "مقبره الشعرا" را به ورطه فراموشی سپرد؟! چگونه می توان تخریب "کاروانسرای تاریخی حاج رسول" را در مرکز شهر فراموش کرد؟! هیچ گاه تجاوز به حریم "ربع رشیدی" از خاطره ها دور نخواهد شد. کجایند "دروازه های محلات" و خانه های تبریز؟!

متأسفانه طبق تحقیقات به عمل آمده بیشترین سهم این تخریها از سوی ارگانهای رسمی و دولتی خصوصاً شهرداری صورت گرفته است که جای تأمل و در عین حال تأسف است. ارگانهای دولتی به جای اینکه خود حافظ آثار باستانی و فرهنگی باشند در صف اول این تخریب ها قرار داشته و دارند. چگونه می توان تخریب "خانه قدیمی کاوه" واقع در محدوده چای کنار را که در فهرست آثار ملی قرار داشته توجیه کرد؟! یا چه استدلالی می توان تخریب "خانه صدقیانی" را در مرکز شهر توجیه کرد، چه تضمینی برای عدم تکرار این گونه تهاجم ها و ویرانگری ها وجود دارد؟! چه دستهایی در ویرانگری های شیطانیه، کمر به نابودی این شهر بسته است. ما بر این باوریم که آینده از آن ملتی است که گذشته خود را می شناسد. راستی برای شناخت خود و بازگشت به خویشتن خویش چه آثاری را برای نسل هويت خواه امروز و فردا به امانت گذاشته و می گذاریم؟! "3

— بروز حوادث هويت طلبانه اخیر نشان دهنده این واقعیت انکارناپذیر است که روحیه هويت خواهی — بازگشت به خویشتن — در میان مردم ما روز بروز رو به افزایش است.

« هر انسانی هويت خاص خودش را دارد و هیچ هويتي، زبانی، قومی و نژادی نسبت به دیگری برتر نیست و همه اینها در عرض هم قرار دارند. هرانسانی دارای تبار، نژاد و زبان خاص خودش است و با انکار هويتها و قوم ها و زبانهای دیگر زبان و هويت دیگری مستحکم نمی شود. "4

هر فرد انسانی فشرده ای از تاریخ خویش است و هويت او مجموعه درهم تنیده ای از مولفه های دین، مذهب، نژاد، سرزمین و زبان به شمار میرود. «انسان بی هويت قادر به رهایی خود نیست و لذا نمیتوان از او امید داشت تا به اصول دموکراسی، آزادی، مردم سالاری و حقوق بشر اعتقادی داشته باشد و برای رستگاری خود و سعادت هموعانش تلاش کند و این در حالی است که ابتدایی ترین ابزار برای هويت یابی، زبان يك ملت است. زبان يك مفهوم زنده و جاندار است، زبان هويت و فرهنگ يك ملت است. اگر زبان ملتی را از بین ببرند در واقع هويت آن ملت را نابود کرده اند و در حق آن ملت ظلم تاریخی مرتکب شده اند. "5

- هنوز در آذربایجان برای آفرینشهای هنری و ادبی اجازه رشد داده نمی شود.

- در هیچ کدام از مراکز مدنی- فرهنگی کشور هیچ مجله یا نشریه ای که مستقلاً به زبان تورکی باشد منتشر نمی شود.

- مهاجرت نیروهای متخصص و مهارت دیده که جزء سرمایه های مادی و معنوی منطقه محسوب می شوند، بعلاوه پایین بودن سطح آموزش، هم در سطوح ابتدایی و هم در سطوح دانشگاهی و عالی، اعمال دیدگاه های متعصبانه و محدود نسبت به زنان و نیز سطح پایین بهره وری از دیگر عواملی است که باعث عدم توسعه یافتگی در این منطقه گردیده است.

— با روی کار آمدن "رضا خان" و پسرش علاوه بر استبداد ملّی، پروژه یکسان سازی و نابودی هويت ملّی ملل غیر فارس در ایران خصوصاً بر مردم ترك نشین که قبل از آن از مترقی ترین و توسعه یافته ترین ایالتهای ایران به شمار می رفت و در حقیقت انقلاب مشروطه با تکیه بر فعالیتهاى فکری روشنفکران آذربایجان و مبارزات دلیرانه مردم آذربایجان به نتیجه رسیده بود، تحمیل گردید. رژیم پهلوی با استخدام روشنفکران آن دوره و نیز با استفاده از ابزار سرکوب علیه نیروهای فرهنگی، گروههای سیاسی مستقل، ایجاد خفقان و رعب و وحشت و با شعار "یک ملت، یک زبان و یک دولت" بر آن شد تا هويت ملت ترک را تغییر دهد و از آنها ملتی زیون، خود باخته و بی هويت بسازد. آسیمیلاسیون — سیاست یکسان سازی حکومت مرکزی بر علیه ملل غیر فارس به ویژه در آذربایجان در طول 80 سال اخیر باعث آسیب دیدن هويت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آذربایجان گردیده است. متأسفانه حاکمان اسلامی در ایران علی رغم گذشت 27 سال از انقلاب اسلامی نتوانسته اند. مسائل مربوط به قومیتها را به طرز عادلانه تری در آورند و در نتیجه ملت ما از آن

وضعیت بحران هویتی بیرون نیامده اند. و این اتفاقات مفهوم ذهنیتی تحت عنوان "کمیته سیصد" را در اذهان عمومی، عینی تر و تاثیرات این کمیته را قابل باورتر می سازد.

امروز مروجان افکار شوونیستی باید متوجه باشند که وقتی اجحاف و بی عدالتی غیر قابل تحمل باشد. مقاومت در برابر آن امری محتوم خواهد بود و رودرویی با خواست های مردمی و بر خورد غیرمنطقی و بی پایه متکی بر زور و سلاح و نیروهای نظامی هر چند در کوتاه مدت بتواند نتیجه بخش باشد. ولی در بلند مدت نه تنها مردم را از مطالباتشان دور نخواهد کرد. بلکه آنان را دچار استرس سیاسی ساخته و ذهنشان را آماده پذیرش تبلیغات مسمومی خواهد ساخت که بیش از هر کس مطلوب نظر بیگانگان است. از این گفته می توان چنین نتیجه گرفت که اقدام روزنامه ایران زابیده ی يك تفکر آبی نبوده است، محصول رویداد تکوینی است که از يك قرن پیش نطفه آن در عصر رژیم منحوس پهلوی بسته شده بود.

مطالبات جنبش ملی آذربایجان

– مردود دانستن هرگونه گفتمان تمامیت خواه ، متصلب و برتری طلب از سوی نظام حاکم و مسلط.

– تلاش برای استقرار پایه های دموکراسی ، رفع انحصار و توسعه سیاسی در کشور.

– "تلاش برای ایجاد ساختارهای حقیقی قبل از تغییر در ساختارهای حقوقی"6.

– "تامین عدالت اجتماعی".

– "رفع تبعیض و نابرابری جنسیتی نسبت به زنان " .

– "توسعه علمی – فرهنگی – اجتماعی و سیاسی."

– "قرار گرفتن در بستر روابط هارمونیک با جامعه جهانی"7.

– با توجه به اینکه همه زبانها و لهجه ها و نیز موارث فرهنگی جزء ثروتهای معنوی يك ملت محسوب می شوند. لذا باید امکانات مادّی و معنوی لازم برای ایجاد شرایط مناسب جهت رشد و بالندگی فرهنگها فراهم شود و نباید به عنوان حقوق اولیه انسانی و طبیعی افراد مورد تعرض قرار گیرد.

– جلوگیری از نابودی و تخریب آثار باستانی مربوط به این منطقه با عنایت به اینکه آثار باستانی نشان دهنده سیر تاریخی مردم يك جامعه در طی گذر ایام محسوب می شود و ایجاد امکانات لازم برای حفاظت و ترمیم یادگارهای فرهنگی.

– لازم است فرصت مشارکت و حضور در ساحت قدرت برای اقوام مختلف موجود در کشور متناسب با وزن اجتماعی هر کدام از آنها داده شود با توجه به این مهم که در غیر این صورت کشور تکه تکه و بالکانیزه خواهد شد.

– سی میلیون تورک به شکل پراکنده در ایران زندگی می کنند. در 14 استان از 28 استان، ترکها به صورت اکثریت قریب به اتفاق یا اکثریت مطلق و یا اقلیت بزرگی محسوب می شوند. ترکهای آذربایجان 37 درصد جمعیت ایران را تشکیل می دهند . این رقم مردم نه دارای مطبوعات منطقه ای ونه سرتاسری ، به زبان مادری خود هستند لذا لازم است تا با رفع انحصارگری و تک صدایی امکانات لازم برای تاسیس کانال تلویزیونی و نیز مجوز انتشار نشریات سراسری و مستقل به زبان ترکی برای مردم ترک داده شود .

– با توجه و دقت به واقعیت انکار ناپذیر تنوع قومی که جزو خصوصیات ذاتی و اجتناب پذیر کشورماست . لازم است تا ساختار سیاسی حاکم بر کشور انطباق خاصی با واقعیت تنوع قومی آن داشته باشد.

- ضروری است تا موضوع استراتژیک فدرالیسم به مثابه فرصتی برای توزیع عادلانه قدرت در بین اقوام مختلف ساکن در کشور به طرز کارشناسانه مورد بحث و بررسی روشنفکران و صاحب نظران و سیاست مداران قرار بگیرد.

– عمل به میثاق های بین المللی و اجرای مواد 1 و 4 که در بخش مربوط به علل حوادث اخیر آذربایجان به طور مشروح بدان پرداخته شده است.

- اجرای سیاست های فرهنگی- اجتماعی در کشور در جهت نزدیک کردن اقوام ایرانی با یکدیگر و حمایت از فرهنگ و آداب و رسوم تمامی اقوام ساکن در ایران.

– حذف و نابودی اساس و پایه تحقیر های قومی در سراسر کشور بخصوص در پایتخت که به دلیل تنوع جمعیتی نا همگون در آن، مستعد تولید ادبیات سخیف مبتنی بر توهین به اقوام است.

- تلاش برای از بین بردن آسیمیلیاسیون فرهنگی -سیاست جذب و حل همه فرهنگها در فرهنگ حاکم و مسلط – که میراث دوران پهلوی منحوس است.

— مشارکت عامه مردم در ساختارهای سیاسی رسمی در سطوح محلی.

- با در نظر گرفتن این مهم که هر ملّتی و قومی در هر زمان آزاد است تا سرنوشت خود را تعیین نماید . لذا باید به مردم ترك فرصت و شرایط انتخاب عادلانه مسیر سرنوشت سیاسی -اجتماعی خود داده شود تا با آگاهی و بینش در قالب، منافع ملّی "سعادت ملّی" خود را انتخاب کند.

- جمعیت‌های زبانی و فرهنگی دارای حقوق مساوی می باشند و این حقوق باید به رسمیت شناخته شود.

- تهران پایتخت کشور بزرگترین شهر ترك نشین به شمار می رود که بیش از شصت درصد ساکنین آنجا را جمعیت ترك تشکیل داده اند. لذا لازم است تا بعنوان شهر دو زبانه اعلام گردد.

- تدریس زبان و ادبیات ترکی در مدارس و دانشگاهها.

-رفع تبعیض از مناطق غیر فارس نشین.

- بهره برداری از پتانسیلهای بالای اقتصادی آذربایجان.

- با امنیتی شدن موضوع اقوام از سوی شورای امنیت ملی کشور و اعمال فشار روز افزون به مردم از سوی حاکمیت تمامیت خواه ،امکان قهرآمیزو زیرزمینی شدن جنبش مدنی مردم آذربایجان بیشتر خواهد شد، لذا جلوگیری از امنیتی شدن مسائل قومی و ملی و نیز ایجاد فضای مدنی لازم برای گفتمان و تعامل به مثابه يك ضرورت گریزناپذیرمی باشد.

-در رابطه با کسانی که دستگیرشده اند و در زندان به سر می برند باید محاکمه علنی ، عادلانه و سریع برگزار شده و دستگیر شدگان ضمن برخورداری از حق داشتن وکیل قانونی به هیچ عنوان تحت آزار و شکنجه و تعزیر واقع نشوند.

— خشونت اعمال شده از سوی گروه های فشار، نیروی انتظامی و سپاه تحت هر عنوان محکوم می باشد . بنابراین لازم است تا وضعیت منطقه از حالت امنیتی بیرون بیاید و متعرضان به حرکت مدنی مردم آذربایجان شناسایی و مورد محاکمه قرار گیرند.

- آمار دقیق مصدومان ، کشته شدگان و دستگیر شدگان در اختیار رسانه های جمعی قرار بگیرد.

-انسداد سیاسی -اجتماعی حاکم بر فضای مطبوعات رفع گردیده و اجازه داده شود تا اطلاع رسانی به صورت آزاد جریان یابد.

- به خانواده هایی که عضوی از ایشان کشته شده است. ضمن عذرخواهی و تهمت زدایی، دیه کامل آنها از سوی مقامات قضایی پرداخت گردد.

- به مصدومان حوادث اخیر آذربایجان اجازه داده شود تا به طور رایگان مورد مداوا قرار گیرند.

-آزادی همه زندانیان دانشجو و بازداشت شدگان.

- عدم دخالت نیروهای سپاه و بسیج و لباس شخصی ها در اعتراضات قانونی مردم.

- مجازات آمران و عاملان و کشته شدگان و مصدومان در حوادث اخیر آذربایجان.

- سوق دادن اعتراضات و مطالبات مردم به سمت روشهای مدنی.

- مجازات مسئولان روزنامه ایران و سایر رسانه هایی که به هر عنوان و در هر زمان به فرهنگ و زبان مردم آذربایجان توهین کرده اند و عذر خواهی رسمی آنها از همه ملت ایران به ویژه هموطنان ترك زبان.

منابع :

1- ماهنامه دیپلمانیج ، شماره 20_19 صفحه 90 میزگردمطبوعاتی با آقایان فرید یحیایی و علیرضا صرّافی .

2- ماهنامه دیپلمانیج ، شماره 20_19 صفحه 92 میزگرد مطبوعاتی با آقایان فرید یحیایی و علیرضا صرّافی.

3- نشریه احرار، شماره 415 مقصود سامع سردرودی .

4- هفته نامه نوید آذربایجان ، عیسی نظری.

5- نشریه احرار ، علی فرزانه.

6 - ماهنامه دیپلمانیج ، ویژه نامه فدرالیسم ، دکتر فرزندی.

7- فدرالیسم ، نشر آبتام ، علیرضا صرّافی .

